



تبیین فلسفی - کلامی دعا از دیدگاه ملاصدرا

پدیدآورنده (ها) : توازیانی، زهره؛عابد، رضیه
فقه و اصول :: نامه الهیات :: بهار ۱۳۹۹ - شماره ۱۰
از ۱۵ تا ۲۸

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/601135>

دانلود شده توسط : مریم عبدالمهی
تاریخ دانلود : 29/11/1398

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

تبیین فلسفی - کلامی دعا از دیدگاه ملاصدرا

دکتر زهره توازیانی*

رضیه عابدی**

چکیده

نظر به اینکه دعا از جمله عالی‌ترین مضامین دینی است که در میان پیروان ادیان از مقبولیتی خاص برخوردار است و در مقابل آموزه‌های فلسفی و کلامی در نگاه ظاهری در جالش با آن قرار دارند پژوهش حاضر در نظر دارد با رهیافتی فلسفی - کلامی بر مسئله دعا، ابهامات موجود در این بحث را که عمدتاً مربوط به نحوه تأثیرگذاری آن در نظام هستی است از دیدگاه ملاصدرا مورد بررسی قرار دهد. به همین منظور نخست به بیان تعریف و فلسفه و سپس به بررسی رابطه این حقیقت الهی با آموزه‌های فلسفی و کلامی همچون علیت، قضا و قدر و اراده الهی از نگاه صدرالمآلهین پرداخته است. نتایج به دست آمده از این پژوهش حاکی از آن است که مسئله «دعا و استجاب» در تفکر فلسفی این فیلسوف دارای عینیتی عقلانی و نه انتزاعی می‌باشد.

واژگان کلیدی

دعا، علیت، قضا و قدر، اراده، نفس

* استادیار دانشگاه الزهراء.

** دانش آموخته کارشناسی ارشد فلسفه و حکمت اسلامی.

مقدمه

اگر دعا را به معنای درخواست از خداوند به منظور تغییر شرایط زندگی بشر به نحو مطلوب در نظر بگیریم متعاقب آن این انتظار وجود دارد که خداوند نیز دعوت مذکور را اجابت نموده و در برنامه کلی خود برای تدبیر عالم بازنگری نماید. بسیاری از مبانی فلسفی - کلامی یا بسیاری از نحله‌های فلسفی - کلامی چنین تعریفی را از دعا بر نمی‌تابند. این استنکار و استنکاف دلیل عمده‌اش وجود قضایای بدیهی یا مبرهن فلسفی - کلامی است که بعضاً می‌توان به آنها اشاره نمود.

از جمله واضح‌ترین و صریح‌ترین قواعد فلسفی - کلامی که در نگاه اول به نظر می‌رسد معارض جدی برای دعا محسوب گردد قانون علیت، مسئله قضا و قدر، اراده ازل و ... می‌باشد، به همین دلیل بخشی از رسالت فلسفی فیلسوفان اعم از مسلمان و غیرمسلمان تبیین جایگاه دعا در ساختار نظام هستی است.

در میان فیلسوفان غربی ضمن اینکه این مسئله به طور کلی به عنوان یکی از اقسام تجربه دینی مورد توجه بوده است به طور خاص نیز توسط فیلسوفانی چون توماس آکویناس و النوراستامپ مورد بررسی واقع شده و به معضل ظاهری آن با برخی از آموزه‌های فلسفی نیز پاسخ داده شده است.^۱ در بین فلاسفه اسلامی نیز تبیین جایگاه فلسفی دعا نخستین‌بار به طور جدی و مدون توسط شیخ‌الرئیس ابن‌سینا^۲ آغاز شده و پس از او توسط فیلسوفان دیگری همچون میرداماد^۳، ملاصدرا^۴ و ملاهادی سبزواری^۵ ادامه یافته است.

دعا در نزد ملاصدرا

ملاصدرا به عنوان یکی از تأثیرگذارترین فیلسوفان سده‌های اخیر مانند برخی از فلاسفه مسلمان دیگر بخشی از رسالت فلسفی و کلامی خویش را مصروف پدیده‌ای نمود که به نظر می‌رسد صبغه کلامیش غالب بر صبغه فلسفی آن می‌باشد.

تبیین و تشریح جایگاه فلسفی دعا یکی از مباحثی است که ملاصدرا در برخی از آثار خود از جمله در اسفار، شرح اصول کافی، رساله قضا و قدر به آن پرداخته است. وی ضمن اینکه دعا را معادل با

۱. پترسون، مایکل و دیگران، عقل و اعتقاد دینی، ترجمه احمد نراقی و ابراهیم سلطانی، چاپ سوم، انتشارات طرح نو، تهران، ۱۳۷۹، ص ۴۸۲

۲. ابن‌سینا در برخی از آثار خود از جمله در تعلیقات، نجات و شفاء به بحث دعا و اشکالات مترتب بر آن توجه خاصی داشته است.

۳. میرداماد در دو اثر معروف خود تحت عنوان نبراس الضیاء و القبسات کوشید تا حدودی به توجیه فلسفی مسئله دعا بپردازد.

۴. ملاصدرا نیز مانند ابن‌سینا و ملاصدرا در برخی از آثار خود از جمله اسفار و رساله قضا و قدر به تبیین جایگاه فلسفی دعا پرداخته است.

۵. ملاهادی سبزواری نیز از جمله فیلسوفانی است که به طرز محققانه‌ای کوشیده است با بیان فلسفی - عرفانی خویش جایگاه دعا را در نظام هستی مشخص نماید. پاسخ وی به یکی از سوالات شیخ محمد ابراهیم واعظ تهرانی در پیرامون دعا نمونه تلاش وی در این زمینه است.

درخواست رحمت و بخشش از خداوند به صورت زاری، فروتنی و خواری دانسته، کوشیده است در فلسفه خود زوایای پنهان این بحث را باز نماید و هرگونه تصویر شبهه‌ناکی را از آن بزدايد و بدین گونه نشان دهد که تصویر صحیح دعا علاوه بر اینکه هیچ گونه تعارضی با آموزه‌های فلسفی و کلامی ندارد می‌تواند دارای ثمرات عینی بسیاری هم باشد.

فلسفه و ثمره دعا از دیدگاه ملاصدرا

ملاصدرا با قائل بودن به این امر که دعا در نظام هستی امری سودمند است و برای فرد داعی ثمراتی را به دنبال دارد، معتقد است که دعاها و راز و نیازها، می‌تواند دو جهت داشته باشد: اول اینکه راز و نیاز بندگان می‌تواند علت و سبب رسیدن به اهداف متعالی و مقاصد بلند باشد. در واقع به اعتقاد وی هنگامی که نفس انسانی معطوف پروردگار می‌گردد و از لذات حیوانی و خواسته‌های مادی، شهوانی و زودگذر صرف‌نظر می‌کند و همچنین از کالبد جسم خاکی و ظلمانی که حامل بین انسان و عالم قدسی است فاصله می‌گیرد به مراتبی دست می‌یابد که درهای رحمت پروردگار به سوی او گشوده و مشمول الطاف الهی می‌گردد و در این حالت است که انسان در سایه تهذیب نفس و دوری و پیراستگی از آلودگی‌های جسمانی و لذات مادی و حسی از طرف پروردگارش به مقاماتی دست می‌یابد که به وسیله آن می‌تواند منشأ دخل و تصرف و دگرگونی‌ها و تحولات شگفت‌انگیزی باشد که با معیارهای علوم حسی و ظاهری قابل تبیین و توجیه نمی‌باشد مثلاً مریضی را شفا دهد یا اشرار را مریض کند و یا اینکه عنصری را به عنصر دیگر تبدیل نماید.

دومین جهتی که از دیدگاه ملاصدرا مترتب بر دعای بندگان است و به خاطر آن انسان‌ها علی‌رغم آگاهی خداوند از خواسته‌های درویشان باز به دعا می‌پردازند، این است که دعاها علت و سبب رسیدن به هدف‌ها نیستند بلکه علامت و نشانه‌ها هستند. یعنی اینکه موضوعیت دعا و عبادت و مکلف بودن انسان به انجام آنها این است که چون کیفیت علم خداوند و قضا و قدر از دید اندیشه ما پنهان است مقتضای حکمت الهی این است که بنده بین خوف و رجاء (ترس و امید) معلق باشد در واقع همین ترس و امیدی که انسان‌ها به وسیله آن به حد کمال می‌رسند خود یکی از علل و موجبات مکلف بودن انسان‌ها به امر دعاست.^۲

علاو براین دو جهت، صدرالمآلهین برای دعا ثمراتی نیز قائل است. وی شعار فروتنی و انکسار، اعتراف به عجز و نیازمندی در مقابل خداوند، بهبود بخشیدن به رابطه بندگی خود و همچنین اقرار انسان به اینکه در مقابل عظمت خالق در پرده نقص امکانی فرومانده و از بندای قله رفیع بی‌نیازی در وادی فقر، احتیاج و تهی‌دستی در غلطیده را از ثمرات مترتب بر دعا دانسته است.^۳

۱. صدرالدین شیرازی، محمدبن ابراهیم، شرح/احول کافی، چاپ اول، انتشارات بنیاد حکمت اسلامی صدرا تهران، ۱۳۸۵

ه. ش. ج ۴، ص ۴۷۸

۲. صدرالدین شیرازی، محمدبن ابراهیم، الرسائل، مکتبه المصطفوی، قم، بی‌تا، ص ۲۰۹

۳. همان، ص ۲۰۸

عوامل استجابات دعا از دیدگاه ملاصدرا

صدرالمتألهین استجابات دعا را متأثر از یک سلسله علل و عوامل می‌داند. تأثیر نفوس فلکی و نفس انسانی دو عاملی هستند که وی در آثار خود از آنها به عنوان عوامل استجابات دعا نام می‌برد. برای دستیابی به نظریات ملاصدرا در این باره لازم است نخست به بررسی نحوه تأثیرگذاری این دو عامل از دیدگاه او بپردازیم:

تأثیر نفوس فلکی

ملاصدرا ضمن اینکه اجرام علوی را دارای نفوس ناطقه می‌داند آنها را منشأ افاضه خیر و برکات بر زمینیان نیز دانسته است. به اعتقاد وی تأثیر افاضات و عنایات الهی نخست در عرش اعظم یعنی فلک اطلس که به منزله قلب عالم است ظاهر می‌گردد و سپس از ناحیه فلک اطلس به بقیه افلاک و به واسطه سایر افلاک بر کره خاکی نازل می‌گردد.^۱

از نظر ملاصدرا اگر در اجرام سماوی فضیلت و برتری نسبت به سایر اجرام نبود هیچ‌گاه بر زبان اکثر اقوام و ملل عالم جمله «ان الله علی السماء» جاری نبود، دست‌ها به هنگام دعا به آسمان دراز نمی‌شد و همچنین آیه شریفه «الرحمن علی العرش استوی»^۲ در قرآن کریم نازل نمی‌شد.^۳

صدرالمتألهین بعد از اینکه حوادث و اتفاقاتی که در زمین به وقوع می‌پیوندد را با عالم بالا و افلاک مرتبط دانسته و به عبارت دیگر نفوس عالم افلاک را در حوادث عالم ناسوت مؤثر می‌داند، آثاری که از عالم ملکوت و قوای مأموران الهی بر ما و عالم طبیعت نازل می‌شود را به طور کلی وابسته به دو عامل می‌داند:

الف) قوای فعال فلکی طبیعی و ارادی

ب) قوای انفعالیه طبیعی و ارادی زمینی

به اعتقاد صدرالمتألهین تأثیر اجرام سماوی در امور جزئی و خیالی با ادراک علل قبلی انجام می‌پذیرد و آنچه به این جزئیات و ادراک آنها مربوط شود مبادی و اوضاع جزئی و حرکات شخصی است که همان علت وجود جزئیات و تحقق یافتن موجودات امکانی است.

ملاصدرا علت وجود همه حوادث خواه فلکی و یا ارضی را به امر طبیعی یا نفسانی منتهی می‌داند، از نظر او اراده‌های پدید آمده و موجودات طبیعی علل و اسبابی دارند که هرگاه بینشان هماهنگی فراهم شد هستی یافتن آنها حتمیت می‌یابد. ملاصدرا وجود این اراده‌ها را به علل و انگیزه‌های خارج از وجود اراده‌کننده مربوط می‌داند و معتقد است که این انگیزه‌ها در مرحله نخست به امور سماوی استناد داشته و از آنها برمی‌خیزند و سپس علل زمینی نقش خود را ایفا می‌کنند.^۴

۱. همان، ص ۲۸۲

۲. طه، ۵

۳. همان، ص ۲۸۳

۴. صدرالدین شیرازی، الرسائل، صص ۲۱۰ و ۲۱۱

با توجه به آنچه گفته شد می‌توان گفت که از نظر ملاصدرا نفوس فلکی در حوادث و اتفاقات عالم نقش تأثیرگذاری را ایفاء می‌کنند و چنین قدرت تأثیرگذاری را برای نفوس فلکی در امر استجاب دعا نیز قائل می‌باشد از اینرو می‌گوید:

«جوهر نفسانی در عالم آسمان‌ها وجود دارد که اثرپذیر است و در زمین به واسطه گرم کردن سرد و سرد کردن گرم و به حرکت در آوردن ساکن و ساکن کردن متحرک و تبدیل عنصری به عنصر دیگر و یاری شدنش از بالا و کمکش از جانب پرتو جوهر عقلی، اثرگذار است. این جوهر عقل فعال محض نیست تا آنکه چیزی در آنها اثر نگذارد و منفعل محض نیز نیست تا آنکه در چیزی اگرچه با یاری و کمک مافوق خود باشد اثر نگذارد بلکه در آنچه پایین‌تر از آنهاست به وجهی فاعل و از آنچه پایین‌تر از آنهاست منفعل می‌باشند پس بعید نیست که از دعاهای گرفتاران و فریادخواهی فریاد خواهان اثرپذیر گشته و دعاهایشان را به فرمان الهی اجابت کرده و حاجاتشان را بر آورده سازند.»

تأثیر نفس انسانی

از ظاهر کلام ملاصدرا این گونه به دست می‌آید که او نفس انسانی را نیز با داشتن شرایطی یکی دیگر از عوامل استجاب دعا دانسته است.

توضیح آنکه ملاصدرا نفس انسانی را از سنخ ملکوت دانسته که دارای مقام وحدت جمعیه بوده به طوری که تمام مراتب وجود در او جمع گردیده است لذا نفس را در مرتبه ذات هم عاقل هم متخیل و هم حساس و هم محرک می‌داند.^۱ او برای هریک از این مراتب وجودی کمالی نیز قائل است کمال تقل را در انسان اتصال او به ملاً اعلی و مشاهده ملائکه مقربین، کمال قوه مصوره را رساندن انسان به مرتبه مشاهده اشباح و صور مثالیه و دریافت امر غیبی و اخبار جزئی و همچنین اطلاع بر حوادث گذشته و آینده و کمال قوه حساسه را در انسان شدت تأثیر آن در مواد جسمانی دانسته است.^۲

به اعتقاد صدرالمآلهین کمتر انسانی است که در او کلیه قوای سه‌گانه نامبرده جمع گردیده باشد و اگر هم انسانی باشد که به مقام جامعیت در این مراتب سه‌گانه رسیده باشد چنین انسانی دارای رتبه خلافت الهی و مستحق ریاست بر خلق خواهد بود. او این شخص را که رسول و مبعوث از طرف خداست واجد خصایص سه‌گانه‌ای نیز می‌داند که یکی از آن خصلت‌ها این است که از قوه و قدرت بسیار مؤثری در ذات نفس از ناحیه جزو عملی و قوای تحریکی برخوردار است که به واسطه آن قادر بر انجام امر خارق‌العاده می‌باشد به عنوان مثال صاحب این مقام، کلیه دعاها و ندهای او با یک اراده قوی مورد اجابت قرار می‌گیرد و صدا و ندای او در ملک و ملکوت شنیده می‌شود و لذا در اندک لحظه‌ای کلیه

۱. صدرالدین شیرازی، *الحکمة المتعالیة فی الاسفار الاربعة*، تصحیح و مقدمه دکتر احمد احمدی، چاپ اول، بنیاد حکمت

اسلامی، تهران، ۱۳۸۱، ج ۶، ص ۴۱۶

۲. صدرالدین شیرازی، *الشواهد الربوبیة فی المناهج السلوکیة*، تصحیح و مقدمه دکتر سید مصطفی محقق داماد، انتشارات

بنیاد حکمت اسلامی، تهران، ۱۳۸۲، هـ، ص ۲۷۱

۳. همان، ص ۳۹۹



مریضان را شفا و تشنگان را سیراب می‌سازد.^۱

ملاصدرا تأثیر چنین نفسی را در هیولای عناصر مانند تأثیر نفوس فلکی دانسته و می‌گوید:
«مسلم است که نفس انسانی هنگامی که در کلیه مقامات قوی گردید به خصوص در جهت جزو عملی و قوه تحریکی شباهت پیدا می‌کند به نفوس فلکیه و شباهت او همانند شباهت اولاد به پدران است پس چنین نفسی اثر می‌گذارد در هیولای عناصر شبیه تأثیر نفوس فلکی»^۲

شرایط استجاب دعا از دیدگاه ملاصدرا

صدرالمآلهین ضمن قائل بودن خاصیت تأثیرگذاری نفس انسانی در استجاب دعا، در برخی از آثار خود از جمله در رساله قضا و قدر به طور پراکنده از ویژگی‌هایی نام می‌برد که التزام نفس انسانی به آنها در حصول به مورد درخواست تأثیر می‌گذارد این عوامل عبارتند از:

پیراستگی نفس و اتکا به خداوند: از جمله ویژگی‌هایی که از دیدگاه ملاصدرا نفس انسانی باید خود را نسبت به آن ملتزم بداند پاکیزگی آن می‌باشد. به اعتقاد او لازم است که دعاکننده نفس خود را از آلودگی‌های جسمانی و غرض‌های نفسانی پاک کند و همچنین از قید و بند غضب و شهوت و اتکا به غیر خداوند نیز دوری جوید.^۳

گریه و خضوع: از دیدگاه ملاصدرا از جمله اسباب برای حصول شیء مورد درخواست داعی، زاری و فروتنی او می‌باشد وی نسبت دعاها و زاری‌ها را به حصول اهداف در اعیان مانند نسبت اندیشیدن و فکر کردن به حصول نتایج در اذهان دانسته است.^۴

به نفع هموعان دعا کردن: یکی دیگر از ویژگی‌هایی که صدرالمآلهین در امر دعا به آن اشاره کرده است این است که دعاکننده در دعایش صلاح هموعانش را نیز در نظر داشته باشد از اینرو به اعتقاد او داعی باید در حقیقت آنچه از خیر و ضرر و نیک و بد طلب می‌نماید توجه کند تا آنجا که خود را به چشم دیگر هموعان خود ببیند و سود و نفع دعایش به صلاح همگان باشد.^۵

آراستگی به زیور دین، داشتن نیت خالص و طینت پاک: ملاصدرا در توضیح این ویژگی می‌گوید:
«شرط قبول شدن دعا و پیروزی بر اهداف و آثار شگفت‌انگیزی که بر آن مترتب است این می‌باشد که دعاکننده‌ای که به زیور دین و شریعت مزین است نیتش خالص و طینتش پاک باشد و به جای دل بستن به تعلقات عالم خاکی با عالم بالا در ارتباط باشد و از آنچه قوای جزئی در نظر او مطرح می‌سازد و از راه حواس ظاهری به درک آن نائل می‌شود دوری جوید تا حقیقت بسیط را به مرکب و علت را به معلول و عالی را به سافل و شریف را به پست ترجیح ندهد، و همه موفقیت‌ها و مبدء نیل به آمال

۱. همان، حص ۴۰۱-۳۹۹

۲. همان، صفحه ۴۰۱

۳. صدرالدین شیرازی، الرسائل، ص ۲۱۳

۴. صدرالدین شیرازی، شرح اصول کافی، ج ۴، ص ۹۹۸

۵. صدرالدین شیرازی، الرسائل، ص ۲۱۳

و آرزوها و رفع مشکلات و سختی‌ها و راه‌حل معضلات خود را از جانب خدا بداند و توجه داشته باشد که دل بستن به زندگی جسمانی و خواسته‌های حیوانی او را از مقصد دور می‌سازد و از سیر تکاملی باز می‌دارد^۱

دوری جستن از شیطان، ظلم، کجروی، منیت و زور: یکی دیگر از ویژگی‌های دعاکننده از دیدگاه ملاصدرا این است که دعاکننده از عالم وهم و نیرنگ و محل فریب شیطان همچنین از ظلم و کجروی دوری جوید زیرا اتصاف به این صفات به اعتقاد ملاصدرا باعث می‌شود که داعی کلامش شنیده نشود در نتیجه خواسته‌هایش بی‌جواب می‌ماند و صدایش در پیش ساکنان عالم بالا و ملکوتیان شناخته نمی‌گردد.^۲

پرهیز از غذای شبهه‌ناک و لقمه‌های حرام: از دیگر ویژگی‌هایی که دعاکننده باید نسبت به آن توجه داشته باشد پرهیز از غذای شبهه‌ناک است که ملاصدرا نیز به آن تصریح می‌کند. از دیدگاه ملاصدرا پاک بودن درون از غذای شبهه‌ناک و حرام در پذیرش دعا اهمیت بسزایی دارد به گونه‌ای که عدم توجه به این اصل تأثیر سوء خود را در استجاب دعا خواهد گذاشت.^۳

مکان مناسب برای دعا: عامل دیگری که ملاصدرا آن را در استجاب دعا مؤثر می‌داند انتخاب جای مناسب و گوشه خلوتی برای ارتباط روحی با عالم بالا و لذت بردن از اتصال با عالم ملکوت می‌باشد. او در توضیح این شرط به بیان سهل بن عبدالله تستری استناد می‌کند و می‌گوید:

«از بیان سهل بن عبدالله تستری استفاده می‌شود که مرتبه عالی از ارتباط روحی با فیاض علی الاطلاق و مناجات خداوندی ویژگی‌هایی دارد از جمله گوشه خلوت برگزیدن و دور بودن از مردم است، خدا را زیاد یاد کردن و خوشحال بودن از عمل خود، لذت بردن از راز و نیازهای در حال خلوت و اتصال روحی با سرچشمه زلال هستی و جمال کبریایی و منع سرور»^۴

به طور کلی از دیدگاه ملاصدرا هر اندازه عبادت پنهانی و دور از انتظار دیگران باشد به همان اندازه از ناخالصی‌های خودپسندی و ریا دورتر خواهد شد مگر اینکه در اعلان و آشکار بودن آن مصلحتی باشد.^۵

رابطه دعا با قضا و قدر و نظام علی و معلولی از دیدگاه ملاصدرا

یکی از چالش‌های مطرح در امر دعا این است که چگونه می‌توانیم رابطه آن را با قضا و قدر و همچنین نظام علی و معلولی تبیین نماییم. ملاصدرا نیز به این اشکال اشراف داشته و در بیان محل مناقشه می‌گوید:

۱. همان، ص ۲۱۳

۲. همان، ص ۲۱۴

۳. همان، ص ۲۱۵

۴. همان ص ۲۲۰

۵. همان، ص ۲۱۸

«آنچه با دعا و طلب و سؤال و الحاح برای رسیدن به متعلق دعا قصد می‌شود اگر از اموری است که قلم قضای ازلی به وجودش جاری گشته و لوح قدر به تصویر ثبوتش مرتسم شده است پس چه نیازی به طلب و سؤال در آن است و اگر قضا به آن جاری نشده و لوح قدر به آن مرتسم نشده است پس درحالی که حصول مدعی و رسیدن به مطلوب ممتنع است دعا برای چیست و فایده طلب در چیست.»^۱

صدرالمآلهین پس از طرح این اشکال درصدد پاسخ‌گویی به آن برمی‌آید و می‌کوشد تا دعا را نه به عنوان یک امر نامرئی که هیچ جایگاه قانونمداری در نظام آفرینش ندارد، بلکه به عنوان یکی از قوانین نظام‌مند عالم که بر قانونمداری نظام آفرینش نیز صحه می‌گذارد تفسیر نماید. از اینرو وی دعای دعاکننده و زاری و فروتنی او را از جمله اسباب برای تحقق مورد درخواست معرفی می‌نماید و حصول تحقق امور و همچنین تحقق اسباب را هردو به قضای الهی می‌داند.^۲ از اینرو می‌گوید:

«طلب و دعا هم چیزی است که قلم قضای الهی بدان رفته و لوح پیشین بر آن نقش‌پذیر گشته است.»^۳

در واقع به اعتقاد ملاصدرا این اراده و مشیت الهی است که دعا را به عنوان یک عامل مؤثر و قوی در بازگشت از انحطاط و سقوط و روی آوردن به سعادت و کمال قرار داده است. به همین خاطر است که ملاصدرا کسانی را که می‌پندارند دعا امری بی‌فایده است زیرا که اگر چیزی در قضای سابق الهی ثبت شده باشد چه دعا برای آن صورت گیرد و چه صورت نگیرد حتماً تحقق پیدا خواهد کرد را افرادی کوردل و نادانی می‌داند که از درک حقایق عاجز می‌باشند.^۴

اگر به این مسئله از زاویه دیگری نیز بنگریم و رابطه آن را با نظام علی و معلولی بسنجیم همین مباحث را آنجا نیز می‌توان مطرح کرد. توضیح آنکه در تفکر صدرایی نظام جهان یک نظام علی و معلولی است که در صدر آن مسبب الاسبابی قرار دارد که تمام وسائط و معدات به او منتهی می‌شود. دعا نیز در این سلسله یکی از معدات و وسائلی است که سبب وصول داعی به مقصودش می‌گردد. از اینرو از نظر صدرالمآلهین دعا نه تنها امری خارج از نظام هستی و قوانین حاکم بر آن نیست بلکه یکی از عوامل مؤثر در نظام هستی قلمداد می‌شود. به همین دلیل است که می‌گوید:

«وقتی استناد همه موجودات به اراده و عنایت خداوند و ارتباط اجزا به همدیگر و ترتب مسببات و اسباب روشن شد از جمله اسباب و علل وجود دعاکننده و دعایش است همان‌گونه که از اسباب حصول فعل وجود زید و علم و قدرت و اراده و اختیارش است همچنین دعا و طلب از خدا و الحاح و تضرع از زمره اسباب بر آوردن حاجت و حصول مراد و مطلوب به اذن خدا و ملکوتش است دعا چه‌بسا باب

۱. صدرالدین شیرازی، اسفار، ج ۶، ص ۴۱۷

۲. همان، ج ۶، ص ۴۱

۳. صدرالدین شیرازی، الرسائل، ص ۲۰۶

۴. صدرالدین شیرازی، شرح اصول کافی، ص ۹۹۷

ملکوت را می‌گوید و به اسماع ملکوتیان می‌رسد.»^۱

بدین ترتیب در هستی‌شناسی صدرایی دعا خود از اسباب فعل است. که البته چنین تفسیری از دعا با توجه به تصویری که وی در نظام فلسفی خود از جهان ارائه می‌دهد ناسازگار نمی‌باشد بر مبنای این تصویر:

۱- نظام هستی نظام حکیمانه‌ای است که بر قانون لاینخلف علی و معلولی مبتنی است.

۲- در نظام هستی هر معلولی از علت خاصی ناشی می‌شود.

۳- اجابت دعا و نیایش نیز امری خارج از نظام هستی و قانون علی و معلولی نیست.

رابطه دعا با اراده الهی از دیدگاه ملاصدرا

یکی دیگر از محذورات مترتب بر بحث دعا، رابطه دعا با اراده الهی است. این اشکال که در نظام فلسفی ملاصدرا تا حدودی با تفسیر وی از رابطه دعا با نظام علی و معلولی و نظام قضا و قدر رفع می‌گردد، با توجه به مبانی فلسفی - کلامی دیگر او از جمله نظریه او در باب شمول اراده الهی نیز به خوبی قابل پاسخ‌گویی است.

براساس تفسیر ملاصدرا از وجود، وجود حقیقت واحدی با مراتب تشکیکی است. بالاترین این مراتب، واجب الوجود و سایر مراتب، ممکناتی هستند که وجودشان نسبت به وجود واجب تعالی رابط و وابسته می‌باشند.

در حقیقت از دیدگاه ملاصدرا در دایره هستی وجودی نیست مگر اینکه از شؤون وجود واجب تعالی است، همچنین در دایره هستی فعلی نیست مگر اینکه فعل اوست، به همین دلیل وی در عین حال که انسان را فاعل فعلی می‌داند که از او صادر شده فعلش را یکی از افعال حق تعالی نیز می‌داند.^۲ بنابراین از آنجا که از دیدگاه ملاصدرا همه اراده‌ها مستغرق در اراده حق تعالی است، هنگامی هم که انسان اراده دعا می‌کند این اراده نیز مسبوق به اراده حق تعالی است. و بدین ترتیب می‌توان دعا و استجابات آن هر دو را مستند به اراده الهی دانست. منتها دعا و استجابات آن اولاً و بالذات متعلق به اراده الهی و ثانیاً و بالعرض متعلق اراده انسان است یعنی اینکه رابطه اراده الهی با اراده انسان یک رابطه طولی است نه یک رابطه عرضی.

دعا و عدم انفعال در ذات یا اراده الهی از دیدگاه ملاصدرا

یکی از مسائل سؤال برانگیز در بحث دعا این است که دعا چگونه با عدم انفعال در ذات الهی قابل توجیه است و به تعبیر دیگر اراده الهی چگونه با دعای انسان‌ها دچار تغییر و انفعال نمی‌گردد. ملاصدرا در تبیینی که از مسئله بده ارائه می‌دهد به پاسخ مشترکی دست می‌یابد که براساس آن

۱. صدرالدین شیرازی، اسفار، جلد ۶ ص ۴۱۵

۲. همان، ج ۶، صص ۳۸۰ و ۳۸۱

دعا و بداء به هیچ وجه مستلزم تغییر در ذات یا اراده الهی نمی گردد، بلکه به اعتقاد او این نفوس سماوی هستند که از احوال برخی از زمینیان تأثیر پذیرفته و دچار انفعال می گردند.

وی در توضیح این مسئله نخست از دو اصل مقدماتی کمک می گیرد و سپس به واسطه این دو اصل به یک نتیجه جامع دست می یابد:

اصل اول: ملاصدرا با قائل شدن مراتبی برای الهیت معتقد است که خداوند در طبقات ملکوت آسمان ها بندگان ملکوتی دارد که مرتبه آنها مرتبه نفوس نامیده می شود اینها گرچه مرتبه شان پایین تر از سابقان می باشد اما افعالشان طاعت حق بوده و هرچه انجام می دهند به فرمان او انجام می دهند اینان خداوند را در هیچ یک از افعال، اراده، خواطر و خواست دل سرپیچی نمی کنند به اعتقاد وی هر کس چنین باشد فعلش فعل حق و گفتارش گفتار صدق است زیرا که در نفسش هیچ خواستی که با خواست حق تعالی مخالفت داشته باشد وجود ندارد بلکه اراده اش در اراده حق تعالی فانی است ملاصدرا مثل طاعت آنها را در برابر حق تعالی مثل طاعت حواس در برابر نفس دانسته که هر وقت اراده کار محسوسی را می کند قوه احساس کننده آنچه را دفعتاً و یکبارگی اراده و قصد کرده است امتثال و اطاعت می کند با اینکه این حواس در عالمی دیگر غیر از عالم جواهر عقلی ما قرار دارند.

از اینرو از نظر ملاصدرا طاعت عالم ملکوت نیز به همین نحو است چون آنان به ذات خودشان مطیع فرمان الهی اند و با گوش های باطنیشان وحی او را می شنوند و با دل های نورانشان عظمت و بزرگی او را درک می کنند و در مشاهده جمال و جلال او واله و سرگشته اند و توان خلاف و سرپیچی او را ندارند و در واقع اینان مصداق آیه «وَلَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ»^۱ هستند و همچنین عباد مکرمونی هستند که حرکات و سکنات و تدبیرات و تصوراتشان همگی به حق و از حق است.^۲

اصل دوم: دومین اصلی که ملاصدرا در توضیح این امر از آن کمک می گیرد این است که همان طور که چیزی در قابل، از جهت اسباب قابلیت و مبادی خارجی و اوضاع جسمانی، حادث می شود مانند گرمی که در جسم قابل از برخورد گرم کننده خارجی حادث می شود همین طور گاهی هم از جهت سبب فاعلی و امر علوی و مبدأ باطنی حادث می گردد، مانند گرمی بدن انسان که از جهت نفش هنگام تصور امری ترسناک یا برانگیخته شدن اراده غضب از آن حادث می گردد لذا در آن هنگام بدن بدون حضور گرم کننده خارجی نهایت گرمی را پیدا می کند. به اعتقاد ملاصدرا چنین حالتی در جهان واقع که انسان کبیر نامیده می شود نیز در مقیاس با نفس تدبیر کننده اش وجود دارد یعنی اینکه امور نادره ای که از نفوس مدبره در این عالم جریان می یابد نه بر مجرای طبیعی و از جهت اسباب طبیعی بلکه با وجود آنکه اسباب سابقه مخالف وقوع آن امور هستند و با ضد آنها تناسب بیشتری دارند آن امور واقع می شوند.^۳

در واقع از نظر ملاصدرا حوادث عالم طبیعت و پدیده های مادی نیاز به علل فاعلی نیز دارند که این علل فاعلی گاهی مبادی خارجی و اسباب طبیعی هستند و گاهی مبادی مجرد و اسباب غیر طبیعی.

۱. تحریم، ۶

۲. همان، جلد ۶، ص ۴۰۸

۳. همان، جلد ۶، ص ۴۰۹

صدرالمآلهین بعد از بیان این دو اصل به این نتیجه دست می‌یابد که هر نوشته‌ای که در الواح آسمانی و صفحات قدری است نوشته حق تعالی است. این الواح آسمانی و صفحات قدری یعنی قلوب فرشتگان و نفوس مدبرات علوی تمامشان کتاب محو و اثبات‌اند و جایز است نقش‌هایی که در سینه و قلوب اینان یعنی طبایع و نفوسشان نقش گردیده است زایل و تبدیل پیدا کنند زیرا مرتبه آنها ایا از این امر ندارد و در واقع آنچه که در آن تغییر و تبدل محال است فقط ذات الهی و صفات حقیقی او و عالم امر و قضای پیشین وی و علم ازلیش می‌باشد.^۱ ملاصدرا معتقد است از این الواح قدری و قلم‌های نویسنده و نقش‌کننده صور آنهاست که خداوند خودش را به تردد توصیف کرده و فرموده: «ما ترددت فی شئی انا فاعله کترددی فی القبض روح عبدی المؤمن» یعنی در هیچ امری که خود فاعلش بودم تردد و دو دلی نکردم آنچنان که در گرفتن روح بنده مؤمنم تردد کردم. از نظر ملاصدرا فرشته‌ای که نقش این صورت‌ها و نوشته‌های قدری الهی بر آن گماشته شده فرشته ارجمندی است که خداوند درباره‌شان فرموده «کراماً کاتبین»^۲

خداوند بر این فرشتگان به گونه‌ای که شایسته عنایت او و میرا از تغییر و حدوث است املا می‌کند و اگر چنین نبود باید تمام امور حتمی و مقضی و فیض الهی محدود بر شمار معین و مشخص باشد و هیچ حادث و کائنی پدید نیاید و همچنین راه‌های هدایت نیز بر رهنوردان از منازل زیرین به مراتب برین بسته شده باشد.^۳

بدین ترتیب ملاصدرا مسئله دعا را باعث تغییر و انفعال در نفوس سماوی که مرتبه‌ای از مراتب هستی است می‌داند، به اعتقاد او این نفوس از احوال برخی از زمینیان به خصوص نفوس ناطقه آنها تأثیر می‌پذیرند. وی این امر را هیچ منافاتی با عالی بودن آنها نمی‌داند زیرا که از نظر او آنچه که تغییر و انفعال در آن محال است عالم امر عقلی است.^۴

نقد ملاصدرا بر ابن سینا

ابن سینا به عنوان یکی از فیلسوفانی که قبل از ملاصدرا به بحث دعا توجه خاصی داشته است مطابق با تفسیری که از دعا ارائه می‌دهد دعا را نه تنها باعث انفعال در ذات و اراده الهی نمی‌داند بلکه انفعال را حتی در مرتبه نفوس سماوی نیز نمی‌پذیرد.^۵ این در حالی است که ملاصدرا برخلاف ابن سینا عدم انفعال را تنها در ذات حق تعالی می‌پذیرد و به همین دلیل بر ابن سینا نیز این نقد را وارد می‌سازد که از پذیرش انفعال در مبادی سماوی تحاشی ورزیده^۶ و همه فرشتگان را منزه از انفعال دانسته است.

۱. همان، جلد ۶، ص ۴۰۹

۲. انفتار ۱۱

۳. صدرالدین شیرازی، اسفار، ج ۶، ص ۴۱۰

۴. همان، ص ۴۱۶

۵. ابن سینا، التعلیقات، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه، قم، ۱۳۷۹ ه. ش، صفحه ۵

۶. همان، جلد ۶، ص ۴۲۵

از دیدگاه صدرالمতالیهین عدم انفعال عالی از دانی در همه موارد قابل پذیرش نمی‌باشد بلکه تنها در مورد موجود عالی که در همه جهات عالی است صدق می‌کند از اینرو از نظر وی فرشتگانی که در حد و مرتبه عقل هستند و جزو موجودات تامه محسوب می‌شوند هیچ‌گونه انفعالی را نمی‌پذیرند اما فرشتگانی که در مرتبه نفوس سماوی می‌باشند تغییر و تأثیرپذیرند.

به اعتقاد ملاصدرا اموری مثل نزول باران، که همزمان با دعای دعاکنندگان و درخواست نیازمندان صورت می‌گیرد و نیز امثال آنچه که از انبیاء و اولیاء حکایت شده از چیزهایی است که به واسطه آنها عقل جزم و یقین می‌یابد که در طبقه‌ای از مبادی آسمانی و گروهی از فرشتگان الهی، اراده‌ای حادث و انفعال از برخی از موجودات زمینی و در پی آن شنیدن دعاها و توجه به استجاب دعاها و جود دارد.^۱

ملاصدرا در مقام نقد سخن ابن‌سینا مبنی بر عدم انفعال آسمانی‌ها از زمینی‌ها به آیاتی از قرآن نیز استناد می‌کند که دلالت صریح و غیرقابل تأویل بر انفعال نفوس سماوی از موجودات زمینی دارند^۲ آیاتی چون: «أَنۡ اصۡنَعِ الْفَلَکَ بِأَعۡیُنِنَا وَ وَحِیۡنَا»^۳ [خطاب به حضرت نوح] کشتی را در حضور ما و مطابق رأی ما بساز (مقصود از اعیننا همان نفوس سماوی و مقصود از وحینا تصورات آنها می‌باشد). «لَا تَخَافُ إِنۡنِیۡ مَعَکُمَا أَسۡمَعُ وَ أَرِیۡ»^۴ [خطاب به حضرت موسی و هارون] نترسید من با شما هستم (همه چیز را) می‌شنوم و می‌بینم. (مقصود از «اسمع و اری» علم الهی به جزئیات در مقام نفوس فلکی می‌باشد).

با توجه به آنچه گفته شد ملاصدرا ضمن اینکه با تبیین رابطه دعا با برخی از آموزه‌های فلسفی به برخی از شبهات مطرح در این زمینه پاسخ می‌دهد دعا را باعث هیچ‌گونه انفعالی در ذات باری تعالی نمی‌داند.

در واقع از نظر ملاصدرا ذات الهی کامل‌تر از آن است که هرگونه انفعالی را بپذیرد. از اینرو همان‌طور که اشاره شد وی برای حل این مسئله که چگونه دعا باعث انفعال در ذات الهی نمی‌گردد، انفعال و تغییر را به مرتبه مبادی سماوی نسبت داده و به ابن‌سینا نیز این نقد را وارد می‌سازد که حتی از قبول انفعال در این مرتبه استتکاف ورزیده است و با دلایل عقلی و نقلی می‌کوشد وجه بطلان نظریه او را آشکار سازد.

نتایج بحث

با توجه به آنچه گفته شد می‌توان گفت تبیین و تفسیر فلسفی دعا در اندیشه صدرایی در درجه اول متأثر

۱. همان، جلد ۶، صفحه ۴۲۶

۲. همان، ج ۶، ص ۴۲۶

۳. مؤمنون ۲۷

۴. طه ۴۶

از اصول و مبانی متعارف فلسفی و کلامی‌ای است که در نظام فلسفی صدرالمآلهین مورد اثبات یا پذیرش واقع شده است.

اصولی چون اصل علیت و قضا و قدر از جمله اصولی هستند که ملاصدرا با استمداد از آنها ضمن اینکه توانسته با رویکرد عقلانی به مسئله دعا بپردازد، به موازات آن به چالش‌های مطرح در این بحث با این اصول و مبانی فلسفی نیز پاسخ گفته باشد.

در واقع ملاصدرا با علت‌العلل خواندن خداوند ضمن اینکه اراده انسانی را در دعا در طول اراده الهی دانسته، دعا را یکی از حلقه‌های سلسله اسباب و همچنین از جمله معداتی دانسته که در تحقق پدیده‌های عالم تکوین نقش مؤثری را ایفا می‌کند از اینرو از دیدگاه وی دعا نه تنها ناقض نظام قضا و قدری نیست بلکه مؤید آن نیز می‌باشد و بدین ترتیب صدرالمآلهین همخوانی و همسویی جایگاه دعا را در قلمرو عقل و دین به اثبات رسانده است.

منابع

۱. قرآن مجید.
۲. ابن سینا، *التعلیقات*، مرکز انتشارات حوزه علمیه، قم، ۱۳۷۹ هـ ش.
۳. _____، الشفاء، چاپ اول، انتشارات ناصرخسرو، تهران، ۱۳۶۳ هـ ش تهران، ۱۳۶۴ هـ ش.
۴. _____، *النجاه من العرق فی بحر الصلوات*، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۶۴ هـ ش.
۵. پترسون، مایکل و دیگران، *عقل و اعتقاد دینی*، ترجمه احمد نراقی و ابراهیم سلطانی، چاپ سوم، انتشارات طرح‌نو، تهران، ۱۳۷۹ هـ ش.
۶. سبزواری، ملاهادی، *مجموعه رسائل*، با تعلیقه و تصحیح و مقدمه سید جلال‌الدین اشتیانی، انجمن حکمت و فلسفه ایران، تهران، ۱۳۶۰ هـ ش.
۷. صدرالدین شیرازی، *الحکمه المتعالیه فی الاسفار الاربعه*، تصحیح و مقدمه دکتر احمد احمدی، چاپ اول، بنیاد حکمت اسلامی صدر، تهران، ۱۳۸۱ هـ ش.
۸. _____، *الرسائل*، مکتبه المصطفوی، قم، بی‌تا.
۹. _____، *شرح اصول کافی*، چاپ اول، انتشارات بنیاد حکمت اسلامی صدر، تهران، ۱۳۸۵ هـ ش.
۱۰. _____، *الشواهد الربوبیه فی المناهج السلوکیه*، تصحیح و مقدمه دکتر سید مصطفی محقق داماد، انتشارات بنیاد حکمت اسلامی، تهران، ۱۳۸۲ هـ ش.
۱۱. میرداماد، محمد باقر، *القبسات*، به اهتمام مهدی محقق، دانشگاه مک گیل با همکاری دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۳۶ هـ ش.
۱۲. _____، *نبراس الضیاء و تسواء السواء*، با تعلیقه ملاعلی نوری، چاپ اول، مؤسسه انتشارات هجرت، تهران، ۱۳۷۴ هـ ش.



سال چهارم، شماره دهم، بهار ۱۳۸۹

